



## ریاست نظام دامپزشکی استان:

# بوشهر رتبه اول کشور در نظام دامپزشکی و بهداشتی

سخن مدیر مسئول

### صدای باج خواهی از یک موسسه آموزشی عمومی- غیردولتی



به نام مقام متعال باج خواهی بواقعی شکل بسیار مؤثر از استثماری است که دیگری را به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تهدید می‌کند که اگر کاری را مطابق میل آنها انجام ندهند، تنبیه می‌شوند. یا به عبارت ساده تر مورد اتهام قرار می‌گیرند. در روزهای اخیر متنی را مطالعه می‌کردیم که ناماد آموزش عالی استان بوشهر توسط یک موسسه آموزشی عمومی - غیردولتی به چالش کشیده شده بود. واقعیت ماجرا از این قرار است که بعد از ابلاغ صورتجلسه ی تاسیس کارخانه نوآوری بوشهر از سوی استانداری بوشهر، مسئول موسسه آموزشی عمومی - غیردولتی مذکور طی تماسی با مدیر منطقه ویژه علم و فناوری استان بوشهر، این درخواست را مطرح کرده است که نام ما را در فراخوان در کنار نام آن دو دانشگاه مطرح قرار گیرد اما این درخواست از یک سو با توجه به مغایرت با صورتجلسه و از سوی دیگر با توجه به اینکه هیچ گونه توجیه منطقی و حرفه ای برای انجام آن وجود نداشت مورد پذیرش قرار نگرفت. این امر سبب اعتراض ایشان شد و سرانجام به تهیه و انتشار این گزارش از طرف ایشان از طریق خبرگزاری تحت مدیریت ایشان انجامید. از مسئولین محترم واحدهای نظارتی استان درخواست می‌گردد با آگاهی از این امر که جامعه همواره نیازمند حراست و نظارت می‌باشد با افرادی که به راحتی اهداف خارج از عرف شان را مطرح و مسیر باج خواهی را فقط به این علت که به خواسته‌های وی توجهی ننموده اند، متهم به خودخواهی و بی‌ملاحظه‌گری می‌کنند، برخورد نمایند.

مهران سلطانی نژاد  
مدیرمسئول



الهام قانیدی: « نه به نمره پروری»

۴

فراخوان اولین جشنواره ملی عکس بوشهر منتشر شد

۳

خارج، چند؟!

۲

بیم ها و امید های استفاده از تلفن همراه در فضای مجازی

۴

تاریخچه تئاتر ایران

کل کشور شناخته شده است و الگوی سایر نظام دامپزشکی و بهداشتی کشور می باشد. در زمینه اشتغال زایی\* در استان بوشهر دکتر دامپزشک بومی که درخواست کار داده باشد تقریباً بیکار نداریم به طوری که ۷۰ درصد بخش خصوصی از نیروهای غیر بومی هستند و افراد بومی کم داریم. بخش دیگر از اقدامات سازمان نظام دامپزشکی، پیگیری تخلفات حرفه‌ای و صنفی اعضای نظام دامپزشکی است که استان بوشهر از نظر کاهش تخلفات در کشور\* رتبه اول\* را دارد. همچنین پیگیری عدم دخالت اشخاص حقیقی و حقوقی در امر فعالیت دامپزشکی هم ورود کرده‌ایم که به جد در این زمینه با متخلفین برخورد میشود. خوشحالم که سیستم دامپزشکی به چنین پیشرفت و بالندگی رسیده است که می‌توانیم با اطمینان خاطر، کلیه دارو و درمان را به بخش خصوصی بسپاریم و به خوبی خدمات لازم را مشاهده کنیم و سیستم دولتی فقط بخش نظارتی عالی حاکمیتی را به عهده دارند. استان بوشهر به عنوان یک استان پیشرو در زمینه بهداشت عمومی و سلامت غذایی مردم فعالیت می‌کند و در حال حاضر جزو معدود استان های هستیم که مسئولین فنی بهداشتی نظام دامپزشکی، اجازه صدور مجوز را دارند. امیدوارم روز به روز شاهد اعتلاء دامپزشکی در تمامی قسمت ها باشیم تا با همکاری بخش خصوصی و دولتی بتوانیم در مسیر تحقق کارآفرینی و ایجاد فرصت های اشتغال بیشتری قدم برداریم و جامعه ای سالم و پویا به ارمان آوریم.

باشد. در حال حاضر دکترهای نظام دامپزشکی به عنوان مسئولین فنی بهداشتی در شرکت های تولیدی و توزیعی، کشتارگاه و... فعالیت میکنند. بخش دوم فعالیت نظام، بازآموزی و نوآموزی کلیه اعضای دامپزشکی، اعم از دولتی و خصوصی است که در ۹ ماه گذشته ۳ دوره بازآموزی برگزار شده است. برای بهره برداران دامپروری نیز توسط نیروهای دامپزشکی، دوره های آموزشی به صورت حضوری و همچنین به صورت چاپ شده، تراکت و تمپلت، مسائل بهداشتی فردی و بهداشت جایگاه دام آموزش داده می‌شود. بخش سوم صدور پروانه های بهداشتی واحدهای تولیدی، مرغداری، دامداری و آبزیان است که تا امروز بیش از ۲ هزار پروانه صادر و تمدید کرده ایم که به گواهی نماینده بازرسی اداره کل دامپزشکی، موفقیت چشمگیری در سازمان نظام دامپزشکی استان بوشهر صورت گرفته است. در بخش خصوصی در صدور پروانه کلینیسین ها، داروخانه ها و آزمایشگاه ها، پیگیری های لازم صورت میگیرد. بخش دیگر از فعالیت نظام، رتبه بندی و نظارت بر مسئول فنی بهداشتی شرکت های تولیدی، کشتارگاه ها، بسته بندی، حمل و نقل، توزیعی و شرکت هایی است که محصولات خام دامی و فرآورده های دامی استفاده می‌کنند. از وظایف مهم نظام دامپزشکی، پیگیری آیین نامه اجرایی ماده ۱۹ نظارت بهداشتی دامپزشکی است که امنیت شغلی و بحث قطع ارتباطی مالی مسئول فنی بهداشتی با کارفرما است را مطرح میکند و استان بوشهر\* رتبه اول\* در

## ریاست نظام دامپزشکی استان:

# بوشهر رتبه اول کشور در نظام دامپزشکی و بهداشتی

مصاحبه کننده: دکتر عبدالله نجم

در این شماره از نشریه به بررسی کلیات سازمان نظام دامپزشکی؛ از زبان دکتر عبدالمجید کوثری نژاد؛ ریاست نظام دامپزشکی استان پرداختیم. مشروح آن به شرح ذیل می باشد.

با سلام خدمت مردم شریف استان بوشهر سازمان نظام دامپزشکی بزرگترین سازمان NGO کشور است و بنده دکتر عبدالمجید کوثری نژاد فارغ التحصیل سال ۷۹ دانشگاه شیراز، به عنوان رئیس نظام دامپزشکی استان و دبیر شورای مرکزی نظام دامپزشکی کشور در سطح ملی و استان بوشهر فعالیت می‌کنم. بنده پست های مختلفی در اداره کل دامپزشکی و نظام دامپزشکی داشته ام از جمله رئیس اداره قرنطینه و معاون فنی اداره کل دامپزشکی و از سال ۱۳۸۴ تاکنون رئیس نظام دامپزشکی استان بوشهر هستم و همچنین مسئول بررسی بیماریهای دامی در استان بوشهر فعالیت می‌کنم. سازمان دامپزشکی از دو بخش بزرگ دولتی و خصوصی تشکیل شده است که بخش دولتی آن سازمان دامپزشکی و بخش

غیردولتی آن سازمان نظام دامپزشکی کشور می باشد. در سازمان نظام دامپزشکی استان بوشهر، ۳۷۸ نفر عضو داریم که ۱۵۹ نفر آن دکترای حرفه ای دامپزشکی، ۶۰ نفر آن متخصص، ۴۱ نفر کارشناس، ۱۲۲ نفر کاردار و مابقی به عنوان تکنسین های دامپزشکی در حال خدمت رسانی به استان در زمینه بهداشت عمومی و سلامت غذایی و درمان هستند. ۱۰ کلینیک تمام وقت دامپزشکی داریم که خدمات درمانی را انجام می دهد و ۱۵ دکتر دامپزشک هم به صورت پاره وقت همکاری می کنند. از مراکز واکسیناسیون استان، یک مرکز مایه کوبی مستقل و چند مراکز مایه کوبی وابسته داریم که فرصت مشغولی برای ۱۵ نفر فراهم کرده و خدمات واکسیناسیون در استان ارائه میدهند. ۱۰ داروخانه و ۲ آزمایشگاه تخصصی دامپزشکی و یک آزمایشگاه معین داریم که زیر نظر استاندارد هستند و با دامپزشکی همکاری می کنند. سازمان نظام دامپزشکی به طور کلی پنج وظیفه اصلی دارد که مهمترین آن بخش مشاوره فنی و همکاری به سازمان ها و وزارتخانه های مرتبط با بهداشت جامعه و بهداشت دام می



## تغییر نسل مدیران جوان

پاکدستی و توانمندی در کار را داشت. اگر مردم لحظه ای وارد بازی جناحی شوند، نتیجه آن روی کار آمدن مسئولین ناکارآمد و خلافکار است. با توجه به سخنان مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب فرمودند: بعضی از همین مدیران در مناصب بالای مدیریتی حضور دارند و با نسیبند مسئولیت به جوانان و اعتماد نکردن به آنها، انگار فراموش کرده اند که خودشان هم روزگاری در سنین پایین توانستند از پس مدیریت در سطوح بالا بر بیایند. ما در اوایل انقلاب جوانانی همچون کاترینا اردبیلی، به عنوان وزیر بازرگانی ۲۸ سال سن، موسی کلانتری، وزیر راه و ترابری با ۳۲ سال سن، محمدرضا نعمت زاده، وزیر صنایع و معادن ۲۵ سال سن، حسن عباس پور تهرانی، وزیر نیرو با ۲۶ سال سن، محمدجواد تندگویان، وزیر نفت با ۳۰ سال سن، محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران با ۲۷ سال سن و بسیاری دیگر از مدیران جوان در مناصب های کلان داشتیم که به خوبی توانستند از پس مدیریت در سطوح بالا بر بیایند. در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان، مدیرانی که سن آن ها بالا می رود در اتاق های فکر و مشاوره حاضر می شوند و صحنه اجرایی کشور را به دست جوان ترها می سپارند و سعی در حل مشکلات کشور دارند. منصب هایی که با رأی مردم به دست می آید، جایگاه شغلی ندارد، بلکه یک محل برای خدمت کردن جهانی است. امیدوارم جوانان فعال و متعهد و متخصص وارد مناصب های مدیریتی شوند.

دکتر عبدالله نجم  
دکترای حرفه ای دامپزشکی  
کشور سیاسی و مدنی  
مدرس مرکز تحقیقات  
جهد کشاورزی  
مدرس سازمان  
فنی حرفه ای کشور  
جهدگر نمونه سال ۹۶

## با ما شوراها را به خانه ببرید!

به قلم: وحید حاج سعیدی

بزرگی می گفت: مردم کلا دو دسته اند: یک دسته اهل مطالعه کتاب و روزنامه و مذاقه هستند تا چیزی به معلومات شان اضافه شود؛ دسته دوم همه چیز را می دانند و همان مصداق همه چیز را همان دانند، هستند! حال اینکه برای عضویت در شوراها قرار است آزمون برگزار کنند، دستم توی کت دسته دوم نمی رود! در جریان هستتید که اسمال قرار است از ثبت نام کنندگان شوراها آزمون بگیرند. عضو کمیسیون شوراها مجلس در تشریح مصوبه اعضای کارگروه تخصصی کمیسیون شوراها، اظهار داشت: در تبصره ۳ ماده ۴ قانون انتخابات مصوب شد، قبل از نام نویسی کاندیداها آزمون مرتب با قوانین عمومی و شهادتی های برگزار شود تا ادا طلبان عضویت در شوراها اسلامی شهر و روستا در این آزمون شرکت کنند. کاندیداها باید حد تصاب قبولی را کسب کنند تا بتوانند در رقابت های انتخابات شوراها اسلامی شهر و روستا حضور داشته باشند. عجب دوره زمانه ای شده است! طرف با کوله بار سنگینی از تجربه (که کم مانده دیسک و صفحه کلاچش بیرون بزند) پای در میدان خنجر شوراها

## بیم ها و امید های استفاده از تلفن همراه در فضای مجازی



واقعا جای تقدیر دارد که اینترنت را با این سرعت اختراع کردند. اگر کسی کار با آن را بلد و جنبه اش را به حد کافی داشته باشد، می تواند از این موهبت نهایت استفاده را ببرد. خیلی ها هستند که بدون هیچ سرمایه ای در فضای مجازی توانسته اند کسب و کار خانگی راه بیندازند. البته منکر بدی های اینترنت نیستیم. بعضی از مردم در نقطه مقابل هستند. مدام سرشان در گوشی است و تقریبا هیچ هدفی ندارند. دید و بازدید های بی درد سر و کم هزینه از هر پیچ و سائیتی باعث شده هم سن و سالانم وارد فاز هایی شوند که هرگز به صلاحشان نیست. اگر اوایل شیطنت هایشان در حد متلک و شوخی بود، حالا در فضای مجازی با قدرت بیشتر می تازند.

### «دیدار های مجازی رفد دلتنگی نمی کند»

اینترنت بیکار های قدیمی سرکچه را ها راجع کرده و یکجا سر سفره اینترنت نشاندند است. خدا را شکر اگر به بهانه های مختلف تعطیلی ها هرروز بیشتر می شوند و ما مجبور به خانه نشینی اجباری هستیم؛ در عوض با پیشرفت هرروزه تکنولوژی مجبور نیستیم برای هر کار اداری کوچکی ساعت ها بیرون از خانه بمانیم. اینترنت کمک بزرگی به سالخورده ها می کند. مجبور نیستند ساعت ها در صف بانک بایستند تا یک گانمرد پیدا شود نوشتن را به او بدهند. یا مجبور نیست دنبال بیمه بازنشستگی اش ماه ها دوندگی کند. همین که مقدار کمی به اینترنت آگاہ باشد یا نوه و فرزند ی باشد که از پس این کار بر بیاید، کافی است تا بسیاری از مشکلات اداری و حقوقی ما بدون مراجعات حضوری انجام شود. اینکه من در لحظه و در هر کجا که باشم و اگر کمک مالی نیاز داشته باشم به سرعت یاد آن را با اینترنت مرتفع کنم. اینترنت سرگرم کننده است. دوری از فضای

کار ماندن در خانه به واسطه بازنشستگی با چرخیدن در فضای مجازی جبران می شود و آدم ها کمتر دچار افسردگی می شوند. اینها مزیت های اینترنت است، اما هر چیز خوبی یک بدی هم دارد. برای ما بزرگتر ها اینترنت و فضای مجازی یک هووی بزرگ است تا بچه هایمان را کمتر ببینیم. گاهی دلتنگی آزارمان می دهد، ولی آنها به بهانه مشغله کاری به تماس های تصویری بسنده می کنند. ما گاهی هفته ها برای نوه هایمان چشم انتظاری می کشیم. باز خدا پدر اینستاگرام را بیامزد که می توانیم شیرین کاری نوه هایمان را و موفقیت بچه ها را روز به روز را در صفحه شان ببینیم. همین که زندگی شان آرام و شاد است، ما راضی هستیم، ولی کاش مثل قدیم دور هم جمع می شدیم و ساعت ها به هم زل می زدیم و حرف هایمان تمام نشدنی بود. مجموعه ای از مخاطبان در صفحه ما هستند که هر وقت به مشکل بر بخوریم، می توانیم از توانایی هایشان کمک بگیریم. بارها توانسته ام مشاوره تحصیلی یا حتی قضایی بگیرم. دوستم توانست از طریق اینترنت با یک وکیل حرفه ای و مشهور آشنا

شود و بدون پرداخت حق الوکاله و فقط از طریق راهنمایی های حقوقی اش بعد از چند سال به حق خود برسد. اینها همه خوبی های اینترنت است. ولی بدی هم کم ندارد. مثلا به طرز وحشتناکی آدم را درگیر می کند و وقتی به خود می آبی که حسابی معنادار شده ای. مدام گوشی در دست است و با یک تیک عصبی قفل گوشی را باز می کنی و تمام صفحات را چک می کنی. اینکه برای سلفی گرفتن ها یا گزارش تصویری مجبور هستی شیک ترین جای خانه را پیدا کنی واقعا عذاب آور است. همیشه باید وانمود کنی خانه ای با کلاس و شیک داری. حتی برای فرستادن تصاویر تکالیف مجازی باید میزی شیک و آراسته داشت. با وجود اینترنت احساس می کنم مدام تحت نظر هستم. دیگر زندگی شخصی خود را ندارم. نکته دیگر فضای مجازی، وجود مزاحمت ها در صفحه خصوصی است. ما حتی در فضای مجازی هم از دست مزاحم ها و بیماران روانی در امان نیستیم و کسی قادر نیست امنیت ما را تأمین کند.

### «درفضای مجازی هم از دست مزاحم ها در امان نیستیم»

از زبان یک شخص اهل شهرستان در تمام این سال ها انگ شهرستانی بودن ضریب زیادی به ما وارد کرده است و ما به اجبار از بسیاری از آرزوهایمان دور مانده ایم. وقتی فلان دوره را می خواستیم شرکت کنیم یا مدرک فلان حرفه را می گرفتیم، باید به شهر های بزرگ می رفتیم یا کلا قیدش را میزدیم. وقتی دوره های آموزشی آنلاین برگزار شد موقعیت های یکسان برای یادگیری ایجاد شد. و من توانستم بدون دغدغه در کلاس های مورد علاقه ام شرکت کنم. حالا راحت می شود آموزش دوره های مورد علاقه ام ویراستاری یا هر کار ی زدیم.

## دلموشته



توی این شب سیاه بی ثمر  
منم و دوباره بوی آرزو  
همونی که سرنوشت میهمش  
میشه باز حکایت سنگ و سیو  
وسط ترانه های آشنا  
صدایی که باز غریبی میکنه  
برای من که خودم هوایی ام  
عشوۀ داره دلفریبی میکنه  
تا ممیپچه توی گوش لحظه هام  
اضطراب شهرهای جنگی میشم  
وسط عبور از این حجم قفس  
واژه ی سیاه دلتنگی میشم  
من و میربه نمیدونم کجا  
هر جا هست باز داره بارون میزنه  
یه جایی که دور دور از همه  
انگاری به تیکه از یخت منه  
ساعت دیواری فریاد میزنه

### نارا شهنام



قلم برخیز با شور و غزل اعجاز کن، حاشا چرا  
با تمام اشتیاقی بر دلم بل پرواز کن، حاشا چرا  
با صد تمثیل و واژه جلوه ای زیبا بساز  
در دین شبگرد را با سوز نی آواز کن، حاشا چرا  
درد دلها بشنواز این شاخه ی فرتوت و پیر  
این نوای گرم خود با گوش دنیا ساز کن، حاشا چرا

### مریم فلاح دوست



تنها... خیال توست، که  
افتاده در سرم  
عطر تنهنوز بر در دیوار  
بازم  
بیچاره این دلی که سپردی  
به دستان باد!!  
رفتی، هنوز در مه و طوفان شناورم  
در خارطم دوباره نشستی به قهر و ناز  
بی توشیبه طول خیابان  
بی ذرم

### فارفرح فردوسی



زهرای من! بانوی با تاسر کمال  
بارن « اعلیٰنا» بز ن رو به زولام  
دستم بگیر ای مادر آینه و آب  
در پرده های هر شیم آشفته حالم  
سیراب کن از مهر خود، آم پنهوشان  
من که گدای این ذرم، بر خود بیالام  
حاکم به سر گر رونگری از من بد  
چون روح سرگردان تنهایی بنالم  
آن جمله ی اخر فرارم از کفم برد  
آتش به جانم زد: « علی بنما حلالم»  
تصویر سرخ انتقامت را کشیدم  
قبری غریب و سوزنازی در خیالم  
می خواستم از حسن شعوری بگویم  
اما کم آوردم شفاعت کن که لا اله

### شیواکوهویی



گاهی باید زخم باشی،  
زخم.  
حتی یک دمل چرکی متعفن  
در قلب کسی،  
دملی از یک زخم قدیمی.  
هر بار که  
به تو  
می اندیشد،  
قلبش تیر بکشد.  
قلبش تیر بکشد، از آن تیر ها که  
می کشد  
گاهی شاید، مرم هم باشی،  
مرهم زخم تیر چشمان خودت.  
می خواهی مرم باشی یا که زخم باشی، باش.  
اما!  
هرگز، هرگز، هرگز، چسب زخم نباش  
مردم زخم شان که خوب شود،  
چسب زخم را  
دور  
می اندازند.

### سیما شید



توی زندگی هر کسی وقتایی هست که  
آدم، حوصله ی خودش روهم نداره،  
نمیدونم اسم این لحظه ها رو چی باید  
گذاشت؟  
تنهایی، دلتنگی، بی حوصلگی، هوای  
گرفته ، لحظه های سنگین، سکوت  
یا...  
اما نمونیم که نوشداری این لحظات  
به دست خود خود آدم هست.  
این مواقع میتونی دست خودت رو  
بگیری و با تنهایی راه بیفتی و تمام  
کوچه پس کوچه های شهر رو قدم  
بزنی  
میتونی خودت رو به یک فنجن قهوه دیش تو یه کافه ی  
دنج، کنار پنجره وبه دور از هیاهوی شهر مهمون کنی.  
یا نه! میتونی دیوان حافظ رو برداری و برای خودت غزلی بخونی  
و این لحظه ها رو با حافظ جان، تقسیم کنی و دوری بشی از هر چه  
دلتنگی و تنهاییست!  
رها نظر چشم من آشنایه ی توست  
کرم مانور فودا که خانه، خانه ی توست

### زهراباغی

### مهسا ایمانی (ماه)

اولیه چاپ قرار دارد.  
همچنین در کتاب های مشترک چپایی  
به خون خفته و خون بهای عشق که  
شامل اشعار، شاعران سراسر کشور در  
سوک سردار دلهاست دو اثر از اینجانب  
ی مشق به عنوان سرپرست نویسندگان  
مجلات ادبی مختلف هم از برخی آثار  
اینجانب به چاپ رسیده است.  
امید است بتوانیم برای جامعه و کشور  
خوبش مفید بوده و بتوانیم با آثار خود دره  
ای در پیشرفت حوزه ی ادبی در کشور  
مؤثر باشیم.  
بایزودلتنگی  
شب های پاییزی و من تا صبح دیدار!  
تنهایی هم یک قلم با طبع اشعارم!  
هر واژه ای از شعر را در دفترم بینی  
معنای آن این ست «من دلتنگ دلمارم!»

هم در این میان باید قدرتی کنیم که  
همراه همیشگی من بوده و هستند.  
موضوعات اشعار اینجانب آیینی،  
عاشقانه، مناسبتی و اجتماعی است. در  
انتشارات بزرگ کشف استعداد بتر حوزه  
ی مشق به عنوان سرپرست نویسندگان  
و شاعران و به عنوان چهره ی شاخص  
فصل پاییز انتخاب شد.  
آثار:  
کتاب مشترک به وقت دلتنگی که در آن  
به عنوان زیر مجموعه هستم؛ در کتاب  
های سرود سیمیرغ؛ پلک شب و یک  
نفس تاتوبه عنوان سرپرست نویسندگان  
هستم که این کتاب ها در مراحل پایانی  
چاپ قرار دارند. کتاب مشترک تانه های  
تلخ هم از دیگر کتاب هایی است که  
سرپرستی آن را به عهده دارم و در مراحل

بود. از سال ۱۳۹۴ با حضور و حمایت  
های بی دریغ عترت عزیزم سرکار خانم  
معصومه ی غمگسار تقویت شد و  
همچنان تا به این لحظه از حمایت های  
بی دریغشان بهره مندم؛ بر حسب یک  
تلنگر و یک مسابقه شعری که باعث  
شده به استعداد خود در زمینه ی شعر و  
شاعری بی بیرم. در اوایل سیاه مشق  
می کردم و خیلی زبان شعری ام قوی  
نبود اما با گذشت زمان و تلاش و تکرار  
باعث شد انتظا ادبی که شکل گرفته  
بود بیش از پیش تقویت شود. همچنین  
در جلسات ادبی مختلف زیر نظر اساتید  
 مطرح سرکار خانم دکتر نغمه مستشار  
نظامی؛ دکتر مریم آریان و اساتید گرانمایه  
ی دیگر تا به این لحظه شاگردی می کنم.  
از حمایت های بی دریغ خانواده عزیزم



بسم الله الرحمن الرحيم.  
نون واللقم ومیاسطرون  
رزومه کوتاهی از سرکار خانم مهسا  
ایمانی؛ شاعر و نویسنده خوش ذوق  
مهسا ایمانی هستم متخلص به ماه؛  
متولد دومین ماه از فصل زیبای بهاری  
...تحصیلات: دانشجوی سال آخر  
مقطع کارشناسی رشته ی روان شناسی  
علاقه من به ادبیات از دوران کودکی



## ویژه

## تقدیم به آتش نشانان؛ شهدای پلاسکو

بنام همت و فرزانیگی را  
سرورگام به آب و آتش و خون  
نمیتسم من از صد نیل و جیحون  
فدا کردیم، فدای مردمانیم  
که ما سرباز بی نام و نشانیم  
فدای مردمان گردیم چه پاک است  
سر و جانم فدای آب و خاک است

به دریای خطر رو کرده ایم ما  
به امواج خطر خو کرده ایم ما  
به آتش میزنیم، آتش چه پاک است  
به دریا میزنیم صد میزین چه پاک است  
به امواج خروشان طبیعت  
به امید خدا با عزم و همت  
بنام غیرت و مردانگی را

## داستان کوتاه

## گرگ ایام

چین و چروک صورتش به مثال کوبی خشک و بی آب و  
علق را می ماند که عمق هر ترک بین چروکهایش حکایت از  
سال ها تجربه ای گاه تلخ و گاه شیرین است. موهای سفید  
ابرویش در بین تعداد خط های عمودی چروک پیشانی و  
استخوان آبرو کوبی حبس شده اند، لب و لوچه جمع شده  
و نازکش به مانند غازی تنگ و باریک که آن را با سایبانی  
از دماغی بزرگ و گوشتی پوشیده شده است. چشمانی  
ریز و کم سو و موهایی که از فرق دو تا شده و موج دار

همچون امواج دریا، سرخ رنگ و خضاب گرفته که تا پشت  
گوشه های جمع شده و بین عرض شانه اش مانند آبشاری  
سرازیر شده اند. با انگشتان استخوانی کک و مک گرفته  
سम्मعش را توی گوشش جایجا می کند. رادیو را نزدیکتر  
می برد (صدای گوینده رادیو) - شبکه رادیو ایران - مروری  
بر اخبار ایران و جهان - طبق آمار و ارقام ۲۴ ساعت گذشته  
تعداد جانباختگان بیماری کووید ۱۹ به ۱۱۰ نفر رسید. در  
۱۳ دقیقه بک ایرانی قربانی کرونا...  
دمیایی آبرو سبز رنگی را به پای می کند انگشت کوچکش  
بین سوراخ های بندروی دمیایی بیرون می زند.  
کنج دیوار آنطرف تر به قول گفتنی: (مرگ با جمله سیاه  
بلندی داس در دست چمپه تازده در کمین نشسته است)

## متن ادبی



داستانک  
گلدان  
صاحب خانه مرده بود.  
او را در هوای سرد زمستانی  
بیرون انداختند. دانه های  
درشت برف رقص کنان،  
در حال افتادن به زمین  
بودند.  
زیر پایش سفید شده بود. یاد  
خود فکر کرد: اگر همین طور بیرون بمانم، از سرما  
بیخ خواهم رزد. در همین فکر بود.  
پسرسی از راه رسید. او را بلند کرد زدی بغل گرفت.  
با خود گفت: اما ما از دین گلدان شمعاندی با  
گلهای صورتی خوشحال خواهد شد.

### صغری دلدادۀ بارانی

مثال معنا در زندگی یک فرد می تواند انجام یک کار ارزشمند یا برآورده شدن هدف و آرزویی باشد که در سر پرورده و در زندگی فرد دیگر عزیزی است که فرستگ ها با او فاصله دارد. برای یافتن معنا در زندگی باید دارای اندیشه ای پویا باشیم و بتوانیم از جهات گوناگونی به زندگی و شرایطمان نگاه کنیم.

فرانکل در کتاب انسان در جستجوی معنا به بیان سرگذشت وحشتناک و اندوهبار زندگی زندانیان در اردوگاه کار اجباری می پردازد؛ روایت لحظه هایی در درون پنج میلیون هانفر در شرایطی دشوار که تمام هدف ها و آزادی های معمول زندگی از آنها روده شده و گرسنگی، تحقیر و خشم ناشی از بی عدالتی، تبدیل به زخمی عمیق بر روح و روانشان شده است. در این شرایط نامناسب زندگی، بودند عده ی کمی که لیاقت رنج هایشان را داشتند؛ این افراد با یافتن معنایی برای درها و رنج های اجتناب ناپذیرشان توانستند حتی در آن شرایط سخت و آذناک شرافتمندانه رفتار کنند.

البته عده زیادی از زندانیان زندگی را رها کرده، آزادی معنوی و همه امیدشان به آینده را از دست دادند و از سیخف ترین رفتارها برای زنده ماندن فروگذار نبودند؛ آنها جزو نخستین افرادی بودند که در اردوگاه جان سپردند؛ البته دلیل مرگشان بیش از آنکه به خاطر کمبود غذا و دارو باشد، به علت نداشتن امید و انگیزه برای ادامه زندگی بوده است. در این شرایط فرانکل با زنده نگه داشتن یاد همسرش و امید داشتن به دیدار او با امید به اینکه پس از پایان جنگ می تواند سخنرانی های مرتبط با روان شناسی از تجربیاتش در اردوگاه کار اجباری ارائه دهد، توانست امید را در درونش زنده نگه دارد و به زندگی ادامه دهد. تجربه های وحشتناک دکتر فرانکل در اردوگاه کار اجباری به شکل گیری اندیشه های بنیادینش در روش معنا درمانی یا لوتوژرایی منجر شد. دکتر فرانکل در کتابش نشان می دهد که همه افراد در تاریکی شبیه هم هستند و هر کس خودش می تواند انتخاب کند که چه راهی را در پیش بگیرد. فرانکل در شرایط سخت و دردناک اسارت معنای زندگی را در زنده ماندن و رساندن کتابش به دست مردم می یابد و به کمک این معنا توانست سال های اسارت را تبدیل به فرصتی برای رشد خود و بسیاری انسان های دیگر کند. با خواندن این کتاب شاید بتوانیم جوهر دیگری به درد راهوستی های زندگیمان نگاه کنیم.

کتاب انسان در جستجوی معنا به عنوان مشهورترین کتاب فرانکل تاکنون چندین بار توسط مترجم های زیادی به فارسی برگردانده شده است. دکتر مکتوبی، اکبر معرفی، زهرآهنگی، حسینعلی میرشاهی، نهضت صالحیان و مهین میلانی تعدادی از این مترجمان هستند.



معنایی برای زندگی دیگری پیدا کند و جنگجوی اندوهگین تنهاست. و همین جنگجوی اندوهگین تنها از امکانات و توانایی های نامحدودی برخوردار است که خداوند بزرگ در ذاتش قرار داده است. یک آزادی معنوی که هیچ کس و تحت هیچ شرایطی قادر به سلب آن از فرد نیست.

آخرین آزادی انمی که به او توانایی می دهد تا در سخت ترین و نامیدکننده ترین شرایط نیز قادر به انتخاب نحوه رفتار و سرنوشت خود باشد. اما جنگجویون نیازمند داشتن احساس مسئولیت است. فرانکل داشتن یا نداشتن احساس مسئولیت را معلول جوهر وجودی و با خلأ وجودی می داند. انسان های دارای جوهر وجودی انسان هایی فعال، پویا و مسئولیت پذیر هستند که در هر شرایطی در جستجوی معنای زندگی خویش هستند. این افراد می توانند در دو رنج را به شیوه ای عزتمند و استوار تحمل کنند و با تبدیل محدودیت ها به فرصت به کمالی که مدنظر یک احساس مسئولیت است، دست یابند. در مقابل انسان هایی که بخلاف وجودی، انسان هایی متغیر و تسلیم هستند که وقتی انتظارات آنها از زندگی برآورده نشود، افسرده و بی حوصله می شوند؛ از همه چیز دست می کشند و دیگر چیزی به آرزایشان می دهد و نه حتی خوشحالیشان می کند. همه اینها نشانه بی معنا بودن زندگی برای فرد است و ناشی از عدم احساس مسئولیت کافی در اوست. فرانکل به افراد در چنین شرایطی می گوید زندگی هم از شما انتظاراتی دارد و شما دارای وظیفه و رسالت خاصی در قبال زندگی هستید که باید آن را پیدا و محقق کنید. در واقع معنادرمانی بر این اصل تکیه دارد که پذیرش مسئولیت بسیار مهم و اساسی است. مسئولیت برای یافتن معنای زندگی، معنایی که در زندگی افراد گوناگون، متفاوت است؛ به عنوان

**کتاب انسان در جستجوی معنا؛ نوشته دکتر ویکتور فرانکل**

یکی از کتاب های خوب زمان ماست که خواندن آن به ویژه در عصر حاضر بسیار توصیه می شود. عصری که در آن زندگی بشر به سمت ماشینی شدن رفته، افزایش مشغولیت های ذهنی و جسمی از یک طرف و کم رنگ شدن آثار دین و قراردادهای اجتماعی از طرف دیگر منجر به روند رو به رشد مشکلات روحی و روانی از جمله افسردگی و بی حوصلگی شده و انسان با انواع و اقسام درد ها و رنج های جسمی و روحی روبروست. واضح است که زندگی همیشه با درد و رنج عجین است و هیچ پایانی برای رنج در زندگی دنیایی نیست؛ در درون رنجی که گاهی اجتنابناپذیر است و نمی توان آن را از زندگی جدا کرد. اما به عقیده فرانکل درها و تنش ها فرصت های زندگی انسان هستند. فرصت هایی برای رسیدن به کمال بیرونی و مهمتر از آن کمال درونی؛ در واقع درد ها و تنش ها، فاصله میان انسانی که هست و آنچه که باید بشود، هستند. اما نکته ی مهم و سرنوشت ساز استفاده از فرصت هاست؛ فرصت هایی که در سرنوشت همه افراد به شکلی واقعی و قابل لمس وجود دارند. بنابراین انسان در مقابل درها و رنج هایش هم مسئولیت هایی دارد.

انسان در موقعیت رنج با دو راه روبروست: ۱. تغییر شرایط بیرونی به نفع رهایی از رنج. ۲. یافتن معنایی برای درد و رنج در شرایط اجتنابناپذیر. روشن است که اولین و منطقی ترین وظیفه انسان در مواجهه با هر مشکل و رنج، جستجوی علل به وجود آورنده رنج و از بین بردن آن است. بنابراین اگر الزامی نباشد رنج هم معنایی نخواهد داشت؛ اما گاهی درد و رنج اجتناب ناپذیرند و ما قادر به تغییر شرایط بیرونی و از بین بردن عوامل ایجاد کننده رنج نیستیم. انسان در این مرحله نیز دارای یک وظیفه است و آن یافتن معنای رنج است. معنایی که باعث می شود قادر به تحمل رنج به شیوه ای سر بلند، انسانی و استوار باشیم. روش درمانی فرانکل با معنا درمانی به معنای مبارزه طلبی در یک زندگی از هم گسسته به منظور پیدا کردن رشته های نازکی از معنا و مسئولیت است. از نظر فرانکل هر انسان یک جنگجوی اندوهگین است که با مشکلات و درد و رنج های متعددی روبرو روست و باید راهی برای پذیرش یا مقابله با این درها بیابد. در عین حال هیچ کس نمی تواند



**دکتر فاطمه فخری**  
**فخرآبادی**  
**دکترای شیمی - اصفهان**

## حنا در طب سنتی ایران سرد دارد

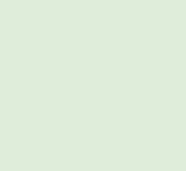


مایلین مخلوط برگ های له شده حنا با روغن زیتون به موی سر کمک زیادی به رشد آن می کند، به ویژه اگر این مخلوط را با آب گشنیز ترکیب کرده و سپس مورد استفاده قرار داد. جهت ضخیم نمودن پوست کف دست و پا و رفع زخم های بین انگشتان از گرد حنا، به صورت ضماد استفاده می شود.

جهت دفع سنگ کلیه و ممانه برگ حنا را در آب خیسانده صاف نموده بنوشند. جهت تسکین درد اعصاب و مفاصل از روغن حنا استفاده شده به این صورت که گل حنا را در روغن زیتون جوشانده صاف نموده استفاده می گردد. یکی از مشکلاتی که الان در بین خانم ها شیوع پیدا کرده، مساله عدم قاعدگی و یانسی زود رس است. یکی از بهترین درمان های آن حنا کردن موهای سر است. استفاده از حنا، جوهر مغز رو تقویت می کند و سردی و بلغم در سر؛ راه نفوذ پیدا نمی کند. استفاده ی موضعی از روغن حنا برای بیماران مبتلا به التهاب و دردهای مفصلی سودمند است. با افزایش سن و تحلیل ماهیچه ها و غضروفها، مفاصل ها دردناک می شوند. این مسئله ممکن است باعث ایجاد درد در قسمت های مختلف بدن شود. با استفاده ی موضعی از روغن حنا در این قسمت ها، حرکت کردن راحت تر و کیفیت زندگی بهتر می شود.

گیاه حنا در مناطق دارای آب و هوای خشک و تابستان گرم و طولانی به خوبی رشد می کند بنابراین طرفداران استفاده از خواص حنا و کاربرد آرایشی آن بیشتر در کشورهای مصر، آفریقا، عربستان، شبه قاره هند و آسیای جنوبی رایج است. در ایران بیشتر در جنوب کشور، استان های کرمان، هرمزگان و بلوچستان کاشته می شود. خواص خاصیت نرم کنندگی و ضد آفتابی، حنا به صورت پرده ای، مانع تأثیر اشعه خورشید بر روی پوست بدن می شود. استفاده از عصاره برگ گیاه به عنوان ضد گرفتگی عضلانی دستگاه گوارش. رنگ کننده ی بی زیان پوست و مو، حنا موهای سیاه را رنگی نمی کند ولی موهای سفید یا رنگی دیگر را رنگ قرمز می کند. استفاده از جوشانده برگ حنا، برای درمان بیماری های پوستی، تسکین سر درد و دهان شویه استفاده می شود. استفاده از پودر برگ حنا برای رفع اگزما و جلوگیری از تعریق دست و پا، برگ حنا با برگ هلو و برگ تان در گیاهان مختلف را به خوبی مخلوط کرده و از آن به صورت ضماد استفاده شود. داروی بی نظیر برای درمان های پوستی بالاخص سرطان پوست است.

**طب سنتی**  
**حمیدرضا جعفری**  
**استاد**



### معرفی:

گیاه حنا در مناطق دارای آب و هوای خشک و تابستان گرم و طولانی به خوبی رشد می کند بنابراین طرفداران استفاده از خواص حنا و کاربرد آرایشی آن بیشتر در کشورهای مصر، آفریقا، عربستان، شبه قاره هند و آسیای جنوبی رایج است. در ایران بیشتر در جنوب کشور، استان های کرمان، هرمزگان و بلوچستان کاشته می شود. خواص خاصیت نرم کنندگی و ضد آفتابی، حنا به صورت پرده ای، مانع تأثیر اشعه خورشید بر روی پوست بدن می شود. استفاده از عصاره برگ گیاه به عنوان ضد گرفتگی عضلانی دستگاه گوارش. رنگ کننده ی بی زیان پوست و مو، حنا موهای سیاه را رنگی نمی کند ولی موهای سفید یا رنگی دیگر را رنگ قرمز می کند. استفاده از جوشانده برگ حنا، برای درمان بیماری های پوستی، تسکین سر درد و دهان شویه استفاده می شود. استفاده از پودر برگ حنا برای رفع اگزما و جلوگیری از تعریق دست و پا، برگ حنا با برگ هلو و برگ تان در گیاهان مختلف را به خوبی مخلوط کرده و از آن به صورت ضماد استفاده شود. داروی بی نظیر برای درمان های پوستی بالاخص سرطان پوست است.

## خارج، چند؟

دیگری بگوئیم. تاریخ خوانی همیشه مفید بوده، به ویژه آن قسمت هایی که آدمها هر چه به دست آوردند برایش بها داده اند. دموکراسی و آزادی، رفاه، بازارکار، شفافیت مالی، به حداقل رسیدن رانت و رشوه و ... همه بها دارد، هزینه دارد. اما، در یک حالت می توان تنهایی هم خوشحال بود. وقتی انسان از قالب انسان بودنش خارج شد، حتماً هیچ چیزی آزارش نخواهد داد. حتی حیوانات هم زندگی دسته جمعی و حفظ گله برایشان مهم است. همیشه دوست داشته ام بدانم کسانی که سر سفره ی زندگی راحت تر، تحصیل راحت تر و اشتغال راحت تر کشورها را دیگر نشسته اند، چه هزینه های باثبات آن پرداخت کرده اند. شما می دانید؟ بگوئید من هم بدانم. بدانم و بمیرم بهتر است یا بدانم و بمیرم؟ (نور به قبر ابوریحان بیرونی ببارد)



**بسم الله الرحمن الرحيم**  
**معلم فیزیک**  
**هستم و به جز فیزیک، تفکر و سبک زندگی هم تدریس می کنم.**  
**اولین جلسه ی کلاس تفکر، از دخترها پرسیدم برای ادامه تحصیل یا زندگی قصد دارند به کدام کشور مهاجرت کنند. خوب تا حدودی می توانستم نتیجه را ازبایی کنم، ولیکن نتیجه، شگفت آورتر از پیش بینی من بود. تقریباً همگی شان حتی کشور مقصد را هم انتخاب کرده و اطلاعاتی کم و بیش راجع به آن هم داشتند. عموماً هم قصد اقامت داشتند. صرف نظر از اینکه این بچه ها تا روزهای تصمیم گیری هزار بار نظرشان عوض خواهد شد، نکته ی**



**سهبیلا**  
**ملک محمدی**

## حلوای شیرعلسی

این نوع حلوای خوشمزه نیز در جنوب رواج دارد. و جزو خوشمزه ترین حلوا ها به شمار می آید. که در تهیه ی آن از محصول شیرعلس استفاده می شود، که در بازار موجود است. مواد لازم برای تهیه ی این حلوا؛ آرد یک پیمانه، شکر نصف پیمانه، گلاب و زعفران و هل نصف پیمانه؛ شیر پاستوریزه یک پیمانه، شیرعلسی یک قوطی کامل که حدود یک پیمانه است. طرز تهیه ی این حلوا به این شکل است که ابتدا آرد بوداده و سپس الک می کنند. شیر و شیرعلسی و گلاب، زعفران و هل را ترکیب کرده و حل می کنند. و به آرد کم کم اضافه می کنند. البته آرد را قبل بودادم و سپس شهد آماده شده را به آن اضافه می کنیم. و خوب هم می زنیم تا حلوا جا بیفتد. سپس در ظرف سرو کشیده و تزئین می کنیم.



**آشپزی**  
**وجهی پای**  
**مرعی و کارشناس**  
**صنایع غذایی**  
**فنی حرفه ای**  
**استان بوشهر**

## نفقه ایام عده



عده عبارتست از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند، عده به این علت لازم الرعایه است که اطمینان حاصل شود حملی از نکاح منحل شده در رحم زن نیست، یا اگر حملی موجود است تعیین تکلیف می شود. عده طلاق سه طهر است مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است، به علاوه عده زن حامل به وضع حمل اوست، در مدت عده نفقه زن باید به مثابه زمان زوجیت از ناحیه مرد تأمین شود، لیکن چنانچه طلاق در حال نشوز زن واقع شود، همچنین در موارد فسخ نکاح، زن در مدت عده حق نفقه نخواهد داشت. در مورد طلاق بائن مثل زنی که بین او و شوهرش نزدیکی حاصل نشده و طلاق حاصل شود و یا

**حقوقی**  
**دکتر سحر نصریخت**  
**مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق مدرس داور**



## درخواست اجرت المثل بعد از مرگ همسر



در تعریف اجرت المثل باید گفت که؛ زن وظایف خاصی در زندگی زناشویی دارد که توسط قانون و شرع برشمرده شده است. این وظایف شامل تمکین عام و تمکین خاص است. تمکین عام به معنای حضور زن در زندگی مشترک و عمل به وظایفی است که شرع و قانون تعیین کرده است. مثلاً زن شرعاً نمی تواند بدون اجازه همسرش از خانه خارج شود. ادامه تحصیل و کار کردن زن در خارج از منزل نیز باید با اجازه شوهر باشد، هر چند در حال حاضر بسیاری از زنان این حقوق را در عقدنامه دریافت می کنند. تمکین خاص نیز به معنای عمل کردن زن به وظایف زناشویی است. حال اگر زن در طول زندگی مشترک و در خانه همسر خود، کاری به جز این موارد را به دستور شوهر انجام دهد، مستحق پاداشی است که به آن اجرت المثل گفته می شود.

**حقوقی**  
**امیر حسین**  
**حسین زاده**  
**لیسانس حقوق**



## درآمدی بر گویش بوشهری

**ضرب المثل های بوشهری**  
**آرد پاک تو کیسه اش پیدا نمی شود:** این عبارت در مورد اشخاص خبیث و نابکار و بد طبیعت به کار می روند. یعنی بسیار دغل باز و دروغگو و ظاهر فریب است.  
**خرما چپون:** (چپون) از مصدر (چپاندن) (و چپاندن) به معنی آکنده و چیزی را با زور و فشار دست یا پا در میان چیزهای دیگر جای دادن است و در زبان کنایه و مثل، به جا و محلی اطلاق می شود که آکنده از جمعیت زیاد است. هر مکان و محلی که بیش از ظرفیت، جمعیت در آن جای گیرد، مثل زده و گویند: (خرما چپون) است یعنی مثل خرما که با فشار و زور در خرمره جای داده باشند، جمعیت دیده می شود.

**واژگان بوشهری**  
**چنگ:** jeng. صمیمی. دوست جینگ: دوست صمیمی.  
**چربیت:** cerbit. کبریت  
**جلنگا:** helanga. آویزان، آویخته، « یلنگا» هم می گویند.  
**خالیکه:** xaligah. تهیگاه بدن انسان، پهلو. به معنی جا و پیشه خالی در دامنه کوه.  
**خو خوالو:** xow. Xovalu. خواب آلود.



**به کوشش:**  
**عبدالحسین احمدی ریشهری**

## ضرب المثل های بوشهری به زبان انگلیسی

**«او از او تکان نمیخورد»**  
**The sky will not fall in**  
**معادل فارسی: آب از آب تکان نخواهد خورد.**  
معنی ضرب المثل:  
۱- آب زمانی تکان می خورد که آرامشی نباشد که سکونش را حفظ کند؛ بنابراین این مثل یعنی در اوج آرامش بودن.  
۲- زمانی به کار می رود که شرایط بر وفق مراد باشد و همه چیز به خوبی پیش رود. در این هنگام می گویند: آب از آب تکان نخورد.  
۳- تا مویی نباشد، آب از آب تکان نمی خورد. در زندگی هم اگر مشکلات، دریای وجود انسان را طوفانی نکنند، اوضاعش خوب است و آب از آب تکان نخورده است.  
۴- به عبارتی دیگر یعنی اوضاع خوب است.  
گاهی در زندگی هر شخصی اتفاقات زیادی روی می دهد و زندگی پرتلاطم و سختی دارد و روزی این سختی و تلاطم به پایان می رسد و آرامش در زندگی حکمفرما می شود در اینجا است که می گویند آب از آب تکان نخورده است. هم می توان به عنوان مثل هم کنایه از این عبارت استفاده کرد. کلایمی همه جا امن و امان است و هیچگونه درگیری و سختی و مشکلاتی وجود ندارد.  
دریافته است تو گوئی به خواب. هیچ نمی خورد تکان آب از آب رفته گوئی همه ذرات به خواب. نخورد هیچ تکان آب از آب

**حسین دریانورد مدرس آیلنس و مقاله زبان انگلیسی**



